

به سوی تفکر به شیوه‌ای جدید

نوشته گنادی ایوانوویچ گراسیموف

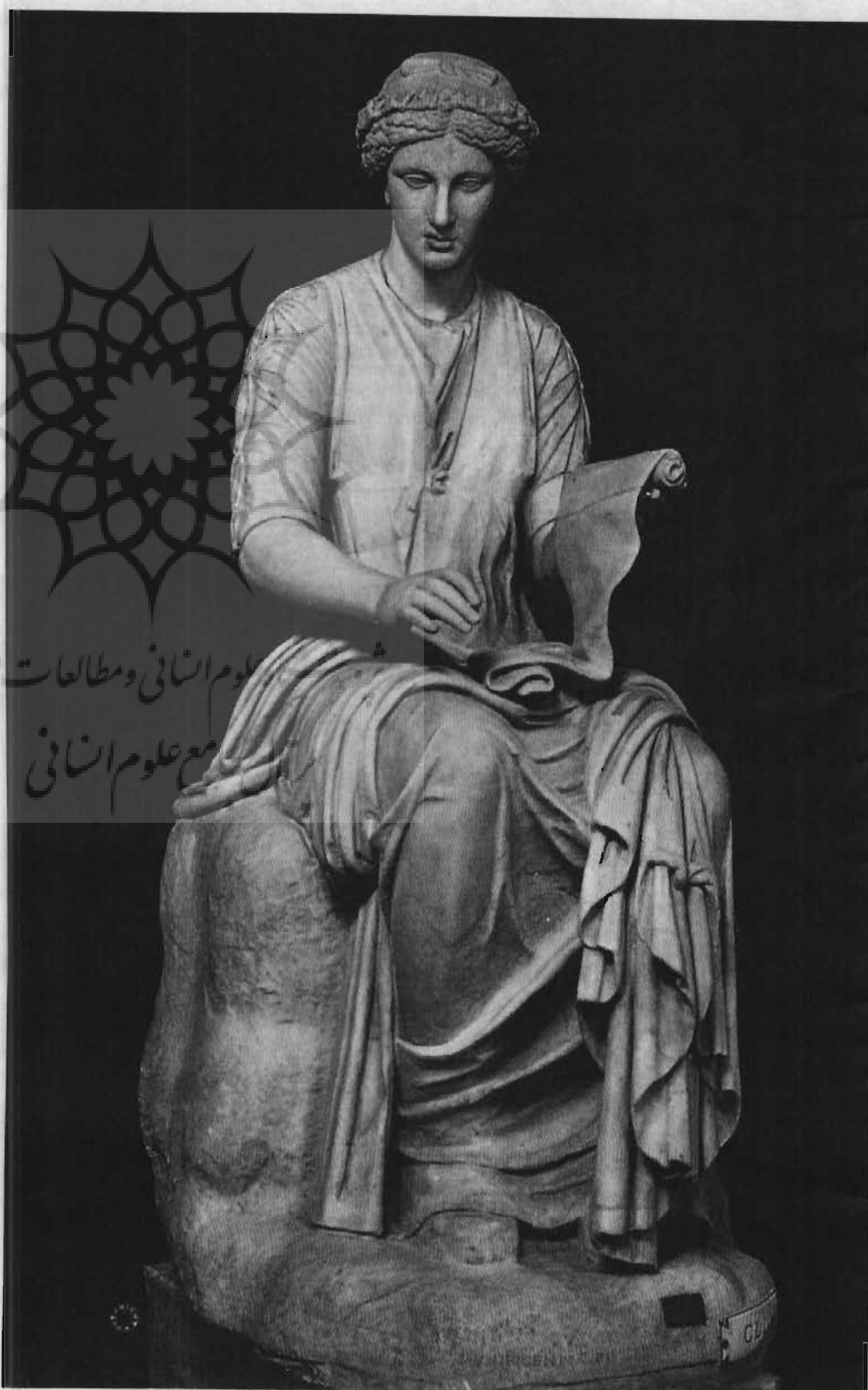
بیش از سی سال پیش، برتراند راسل و آلبرت اینشتین ما را به «فرا گرفتن تفکر به شیوه‌ای جدید» خواندند و خاطر نشان ساختند که «اگر مسائل موجود میان شرق و غرب باید حل شوند... این مسائل نباید از طریق جنگ حل شوند». در آنچه که به بیانیه راسل - اینشتین معروف شد (مقاله صفحه ۱۳ را ببینید)، این دو فیلسوف به مردم پیشنهاد کردند که افسراد، از کارگر گرفته تا مفازه دار، کشاورز، و مالک خرد یا کلان نخست خود را عضوی از نژاد بشری به شمار آورند: «به خود فقط به عنوان اعضای گونه‌ای زیستی بنگرید».

پس از اینکه ژرفتر به مسئله نگریم در یافتیم که راسل و اینشتین به هیچ وجه نخستین کسانی نبوده‌اند که چنین نظرانی را عنوان کرده‌اند، گو اینکه در آن زمان آنها دلایلی بسیار قانع کننده برای این کار داشته‌اند. مدتی قبل از این، یعنی در ۱۹۲۸، رومن رولان رومان‌نویس فرانسوی همگان را به ایجاد صلحی جهانی دعوت کرد که از تمام «اشتغالات ذهنی سیاسی، اجتماعی، دینی، فلسفی و فکری» که موجد تفرقه میان نوع بشر است بری باشد و منحصرأ از «آگاهی روشن و مستقیم جامعه تمام موجودات زنده» پیروی کند.

وحشیگریهای جنگ کلاسیک با قصابیهایی سیستماتیک خود نفرت رومن رولان را برانگیخته بود. راسل و اینشتین نگران خطر تازه بمب اتمی بودند که بدون هیچ تمایزی مردم عادی و نیروهای مسلح را قتل عام می‌کرد. امروز، سی سال بعد از بیانیه ایشان، خطر به مراتب بیشتر از آن چه که ایشان محکوم کردند شده و پیام آنها، بویژه با اثبات فرضیه «زمستان هسته‌ای» که هم اکنون به عنوان نتیجه محتوم تعارضی هسته‌ای به خوبی مستند شده است، بُعد جدیدی یافته است.

پیش از فرضیه «زمستان هسته‌ای» استراتژیستهای پشت میز نشین به تفصیل در مورد مراحل افزایش قوای هسته‌ای، درباره امکان وارد آوردن ضربه ثانوی و، در بعضی از شرایط، احتمال غلبه بر دشمن در جنگی متضمن مبادله سلاحهای هسته‌ای قلمفرسایی می‌کردند. تشویق نقشه‌هایی مبنی بر جنگ «برق‌آسا» به منظور مستقطع ساختن رهبری سیاسی و نظامی قدرت متخاصم، و شروع کردن جنگ از پشت سپری ضدوشکی و مقاوم در برابر حمله متقابل دشمن ضعیف شده خیالبافی‌های خطرناکی

این مجسمه کلیو، اولین موز (الاهگان هنر) از نه موز اساطیر یونانی، به قرن دوم میلادی تعلق دارد و در ۱۷۷۴ در خرابه‌های ویلایی واقع در جنوب غربی تیولی، محل ییلاقی مورد علاقه رومیان ۲۰۰۰ سال قبل، کشف شد. کلیو، که نامش در زبان یونانی به معنای «چشم گرفتن» است، الهه شعر حماسی و تاریخ است. وی را غالباً در حالت نشسته و طوماری در دست مجسم کرده‌اند.



بیش نیست. امروزه آشکار شده است که گرد و غبار و دوده و خاکستر انفجارهای هسته‌ای متعدد میان خورشید و «فاتح» قرار خواهند گرفت. هر کسی که شمشیر بکشد با همان شمشیر نیز کشته خواهد شد. آیا این ما را «به تفکر به شیوه‌ای جدید» بر نمی‌انگیزد؟

کلیو، الهام‌بخش یونانی بود که وظیفه‌اش مراقبت از مسیری است که تاریخ بشر طی می‌کند. تهدید هسته‌ای بعدی جدید یافته و بر آن است که کلیو را به قتل برساند. امروزه تاریخ با خطر نابودی ناگهانی روبرو است چرا که جنگ قبلاً فقط افراد را تهدید می‌کرد ولی اکنون نوع بشر را به مخاطره انداخته است.

سلاحهای هسته‌ای مسئله اخلاقی هدف و وسیله را کنار می‌گذارد، چرا که هر اقدامی در جهت نیل به هدفی از طریق کاربرد چنین سلاح‌هایی با از میان بردن طرفین مخاصمه آن هدف را نیز منتفی می‌کند. این کار بسان آن خواهد بود که در حالی که می‌کوشیم خانه‌ای را تعمیر کنیم آن را بسوزانیم یا انسانی را بکشیم بدین منظور که جنبه ناخوشایندی را در شخصیت او تغییر دهیم. جنگ هسته‌ای تجزیه و تحلیلی بر اساس هزینه و سود را نیز بر نمی‌تابد. سلاح هسته‌ای، ساخته و پرداخته خرد نوع بشر، از طریق حماقتی سیاسی حرکت تاریخ را در معرض تهدید قرار داده است. همانگونه که جنگهای بزرگ دنیای

کودکان مسکو و گروهی از کودکان هندی میهمان در یکی از میدانهای مسکو در مسابقه نقاشی شرکت کرده‌اند. این مسابقه به مناسبت روز جهانی کودکان که هر ساله در اولین دوشنبه ماه اکتبر برگزار می‌شود ترتیب داده شده است. «صلح برای کودکان» و «بشاید که خورشید همواره بتابد» دو فقره از درونمایه‌هایی بود که این هنرمندان جوان خیابانی بدان پرداختند.

باستان‌شناسی را از میان برد و گاهی تمام افرادی را که به ورطه نیستی کشاند، پس از جنگ هسته‌ای نیز تاریخ بشر به پایان خواهد رسید. به هر حال، کسی باقی نخواهد ماند که آنرا بخواند.

همانسان که ما این سیاره را از پدران خود به ارث بردیم، نسبت به نسلهای بعد نیز وظیفه‌ای داریم و هر یک از ما باید این میراث را به بازماندگان خود بسپارد. به عبارت دیگر، همه ما نسبت به ادامه تاریخ بشریت رسالتی بر عهده داریم.

اگر مایلم حافظ صلح باشیم، باید این امر را در اولویت مطلق قرار دهیم؛ نفع عام بایستی بر منافع گروه‌ها یا طبقات خاص ارجحیت داشته باشد. به عقیده لنین، از دیدگاه اعتقادات اساسی مارکسیستی، منافع پیشرفت عمومی باید بر منافع پرولتاریا پیشی گیرد چرا که هدف از به قدرت رسیدن کارگران بنفع طبقاتی نیست بلکه به منظور رها ساختن جامعه از بند استعمار، استقرار مساوات اجتماعی، و فراهم آوردن شرایط لازم برای تکوین متعادل خصایص فردی است.

از نظر کارل مارکس تغییر عمده در رابطه میان سرمایه و کار شرط لازم برای صلح جهانی است. وی در سخنرانی افتتاحیه انجمن بین‌المللی کارگران در ۱۸۶۴، نیاز به فراهم آوردن شرایطی را مورد تأکید قرار داد که ضمن آن قوانین اولیه اخلاقی و عدالت همان گونه بر روابط شخصی حاکم باشد بر روابط بین‌المللی نیز باید حکمروایی کند.

خلع سلاح تنها راه ممکن برای استقرار نظام بین‌المللی متصفانه و نوینی جهت امنیت جهانی است. فقط خلع سلاح به ما امکان می‌دهد که از منابع وسیع مادی و فکری که بدین ترتیب آزاد می‌شوند برای بهبود پیشرفت اقتصادی و بهزیستی استفاده کنیم. نوع بشر به مرحله‌ای

بسیار حساس رسیده و بایستی مسیر خود را مشخص کند. یا باید بر عدم تحرک گذشته فایق آید و فکر امنیت مبتنی بر تعادل قوا یا دست زدن به راه‌حلهای نظامی یا تکنولوژیکی را رها کند؛ یا اینکه اسیر مسابقه تسلیحاتی - سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی، و سلاح‌های دیگری مشابه آنها - باقی بماند.

این گزینش میان حکم عقل و راه فاجعه را فقط از طریق توافق متقابل میان تمام کشورها، صرف‌نظر از نظام اجتماعی یا سطح پیشرفت اقتصادی آنها، می‌توان انجام داد. این کاری است که به شجاعت و حس مسئولیت نیاز دارد. امروزه دیگر نمی‌توان به راه‌حلهای جزئی قانع بود که مسابقه تسلیحاتی را در بعضی زمینه‌ها کند می‌کند ولی در زمینه‌های دیگر بدان سرعت می‌بخشد.

زمان آن فرا رسیده است که شمشیر داموکلسی را که از هنگام تراژدی هیروشیما و ناکازاکی بر فراز سرمان قرار داشته کنار بزنیم. باید اتحاد شوروی و ایالات متحده، دارندگان بزرگترین زرادخانه‌های هسته‌ای، نخستین قدم قاطع را بردارند و قدرتهای هسته‌ای دیگر نیز از آنها متابعت کنند.

یکی از وظایف اصلی سال جهانی صلح تشویق آرای عمومی جهانیان به «تفکر به شیوه‌ای جدید» است. اگر کشورهای عضو سازمان ملل، به اتفاق آبه آرای عمومی، با جدیت از این مساعی حمایت کنند، ممکن است بتوان کلیو را از مرگ نجات داد.

گنادی ایوانوویچ گراسیموف، روزنامه‌نگار مشهور روسی و متخصص روابط بین‌المللی، در حال حاضر سردبیر نشریه هفتگی اخبار مسکو است که به زبانهای روسی، فرانسه، انگلیسی، اسپانیولی و عربی منتشر می‌شود. جایزه وروسکی (اتحادیه روزنامه‌نگاران اتحاد جماهیر شوروی) و «قلم زرین» (بلغارستان) به خاطر کارهای او در زمینه روزنامه‌نگاری به وی اعطا شده است.

